خبر

کم‌بودن حقوق بهانه‌ای برای سرقت

■ کارگر معتادی که به بهانه کم‌بودن دستمزد اقدام به سرقت از مغازه صاحبکارش کرده بود، روانه زندان شد. به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، چندی پیش با اعلام گزارشی از مرکز فوریت‌های ۱۱۰ مبنی بر وقوع یک سرقت ماموران پلیس به محل جرم اعزام شدند. مردی ۳۹ ساله به آنها گفت: طی یک ماه گذشته حدود ۶۰ شاخه آلومینیوم از مغازه‌ام سرقت شده است، ساعتی پیش پس از مراجعه به مغازه متوجه سرقت مبلغ ۳۰ میلیون ریال ایران چک و ۱۷ شاخه آلومینیوم از مغازه شدم و به کارگری که در مغازه‌ام کار می‌کند، مشکوک هستم.» ماموران وقتی متوجه شدند کارگر این مغازه سرکارش حاضر نشده و در خانه نیز است به او مظنون شدند تا اینکه بالاخره توانستند او را دستگیر کنند. این جوان به نام حامد در بازجویی‌ها گفت: «من معتاد به مواد مخدر هستم و چون صاحبکارم به من حقوق کمی می‌دهد تصمیم به سرقت گرفتم. بنا به این گزارش متهم با صدور قرار قانونی روانه زندان شده است.

هلاکت دو شرور در کهنوج کرمان

■ دو مرد شرور که به اتهام جرایم مختلف تحت تعقیب قرار داشتند در عملیات مشترک پلیس امنیت عمومی و ماموران انتظامی شهرستان کهنوج کشته شدند. سردار «حسین چناریان» فرمانده انتظامی استان کرمان با اعلام این خبر افزود: «شرور معروف به نام نادر.ح معروف به نادرک که سالیان متمادی در مناطق کهنوج، رودبار و توابع آن اقدام به شرارت می‌کرد با انجام اقدامات اطلاعاتی خاص و شگردهای ویژه پلیسی چندین ماهه توسط ماموران انتظامی شهرستان کهنوج و پلیس امنیت عمومی استان طی یک عملیات گسترده در ارتفاعات شهرستان کهنوج به هلاکت رسید. وی گفت: این شرور اهل رودبار بود و مدت چندین سال بود که به اتفاق همدستانش اقدام به تشکیل باند شرارت و سرقت مسلحانه، جرایم ضدامنیتی و درگیری می‌کرد و به دلیل اینکه تحت تعقیب بودند مرتب محل سکونت خود را در ارتفاعات شهرستان کهنوج تغییر می‌دادند. فرمانده انتظامی استان کرمان همچنین گفت: در این عملیات یکی از همدستان نادر به نام محسن نیز به هلاکت رسید و یک دستگاه موتورسیکلت، یک قبضه اسلحه کلاشینکف و ۹۰ تیر که در درگیری در آتش سوخته بودند، کشف شد. وی خاطر نشان کرد: نادر دارای سوابق متعدد ناامنی و ۲۴ فقره ارتکاب جرم از جمله سرقت مسلحانه، درگیری با ماموران، تردد مسلحانه، ضرب و شتم و تیراندازی بود.

کلاهبرداری با عنوان سرهنگ بازنشسته

■ مردی که با جعل عنوان سرهنگ بازنشسته دست به کلاهبرداری زده بود به دام افتاد. کارآگاهان پلیس آگاهی شهرستان ماسال استان گیلان در پی اعلام شکایت دو مالباخته درباره کلاهبرداری میلیونی به تحقیق در این رابطه پرداختند و متوجه شدند متهم با جعل عنوان سرهنگ بازنشسته و دادن وعده‌هایی برای حل مشکل‌شان از شاکیان مبالغ کلانی را دریافت کرده و متواری شده است. کارآگاهان در جریان بررسی‌های خود موفق به شناسایی محل اختفاء متهم شدند و با دستگیری این مرد وی را به مرجع قضایی معرفی کردند.

کلاهبرداری یک میلیاردی مدیر آژانس مسافرتی

■ مدیر یک آژانس مسافرتی که اقدام به کلاهبرداری یک میلیارد تومانی از مسافران و آژانس‌های همکار کرده بود، دستگیر شد. این پرونده با شکایت تعدادی از مالباختگان در دادسرای ناحیه یک تهران گشوده شد و آنها به بازپرس دادسرا گفتند: «ما برای سفر به کشور ارمنستان در یک آژانس توریستی ثبت‌نام کرده بودیم و بعد از تحویل مدارک و پرداخت مبلغ قرار شد یک روز قبل از پرواز مدارک سفر را تحویل بدهند ولی پس از چند هفته متوجه شدیم مدیر آژانس با کلاهبرداری از افراد زیادی فرار کرده است.» با شروع تحقیقات پلیس آگاهی و با استفاده از چهره‌نگاری رایانه‌ای متهم اصلی پرونده در حالی که قصد داشت با گذرنامه جعلی از کشور خارج شود شناسایی و دستگیر شد. متهم در اظهاراتش به جرم خود مبنی بر سرقت یک میلیاردی اعتراف کرد و گفت علاوه بر مسافران، همکارانش را نیز فریب داده و از موسسات دیگر نیز مبالغی را کلاهبرداری کرده است. بنا به این گزارش تحقیقات قضایی پیرامون این پرونده ادامه دارد.

مرگ یک راننده در تصادف با قاچاقچیان فراری

■ راننده یک پراید در تصادف با خودرو قاچاقچیان فراری مواد مخدر، جانش را از دست داد. سرهنگ سید احمد خدایی- رییس پلیس مبارزه با مواد مخدر استان هرمزگان -در این باره توضیح داد: ماموران عملیات ویژه پلیس مبارزه با مواد مخدر استان بامداد روز جمعه یک باند تهیه و قاچاق مواد مخدر را شناسایی و قاچاقچیان را که در حالی که با یک دستگاه خودرو زانتیا در حال جابه‌جایی محموله بزرگ مواد مخدر در محور بندرعباس میناب بودند، مشاهده کردند و دستور ایست دادند اما راننده خودرو بدون توجه به فرمان پلیس و علایم هشداردهنده اقدام به فرار کرد. وی افزود: خودرو حامل مواد مخدر که در جهت خلاف مسیر و با سرعت بسیار زیاد متواری شده بود، پس از برخورد با یک دستگاه خودرو پراید متوقف شد. رییس پلیس مبارزه با مواد مخدر هرمزگان تصریح کرد: در این تصادف راننده خودرو پراید در دم کشته و یکی از قاچاقچیان به هلاکت رسیده و یک نفر دیگر نیز دستگیر شد. سرهنگ خدایی خاطر نشان کرد: ماموران در بازرسی از خودرو زانتیا ۱۱۹ کیلوگرم حشیش کشف و به همراه متهم دستگیر شده جهت سیر مراحل قانونی به اداره مبارزه با مواد مخدر استان منتقل کردند.

وکیل مدافع و خانواده زن قربانی اسیدپاشی مطرح کردند

درخواست از مجلس و قوه قضاییه برای کمک به معصومه

خانواده و وکیل معصومه، زنی که توسط پدرشوهر سابقش با اسید سوزانده شده بود از رییسان مجلس و قوه قضاییه برای حمایت از این زن کمک خواستند.

معصومه، زن ۳۳ ساله‌ای از اهالی شهرضاست که بعد از جدایی از شوهر معتادش برای گذران زندگی خود و پسر پنج ساله‌اش در یک آرایشگاه مشغول به کار شد اما در آخرین روزهای شهریور سال گذشته توسط پدرشوهرش مورد حمله قرار گرفت و با اسید سوزانده شد. این زن بلافاصله بعد از این حادثه به بیمارستانی در شهر خودش و سپس به اصفهان انتقال یافت اما مداوا روی او تاثیری نداشت و وی بینایی هر دو چشمش را از دست داد. این در حالی بود که معصومه و خانواده‌اش به لحاظ مالی به‌شدت در مضیقه بودند. پس از انتشار گزارش‌هایی در صفحه حوادث روزنامه شرق درباره شرایط بغرنج این زن و داوطلب شدن عبدالصمد خرمشاهی برای وکالت این زن جمعی از مردم به معصومه کمک مالی کردند و دو چشم‌پزشک پذیرفتند به صورت رایگان این زن را تحت درمان قرار بدهند. به این ترتیب زن جوان به بیمارستان لبافی‌نژاد در تهران منتقل شد.

معصومه که در همان روزهای اول حادثه علیه پدرشوهرش شکایت کرده بود، به ماموران گفت متهم برای انتقام‌گیری از او دست به این کار زده است. معصومه داستان زندگی‌اش را برای ماموران این‌طور توضیح داد: به خاطر اعتیاد و رفتارهای بدشوهرم با وجود اینکه فرزند داشتم مجبور شدم از او جدا شوم. دادگاه با توجه به سن پسرم او را به من سپرد. من به سختی هزینه زندگی خودم و پسرم را تامین می‌کردم. البته پدرم و سایر اعضای خانواده حمایتم می‌کردند. من سعی می‌کردم با خانواده شوهرم خیلی منطقی برخورد کنم و هر موقع که آنها می‌خواستند بچه را ببینند مانع نمی‌شدم. بیشتر پدرشوهرم به دیدن او می‌آمد. در این دیدارها او به من اصرار می‌کرد دوباره با پسرش زندگی کنم اما من قبول نمی‌کردم. تا اینکه روز حادثه دوباره او به مقابل خانه پدری‌ام آمد و گفت می‌خواهد نوه‌اش را ببیند. وقتی بچه را جلوی در بردم او اصرار کرد من هم همراه‌شان بروم. او گفت بچه، بهانه‌گیری می‌کند. قبول کردم و همراه‌شان رفتم. پدرشوهرم باز هم درباره بازگشت من به زندگی پسرش صحبت کرد و من این بار هم زیر بار نرفتم. وقتی به مقابل خانه برگشتیم او به من گفت برای پسرم هدیه‌ای خریده است، به همین دلیل خواست بچه را به خانه ببرم و بعد برگردم هدیه را بگیرم. من هم این کار را کردم. وقتی برگشتم پدرشوهرم گفت چشمانت را ببند بعد از این کار احساس کردم چیزی رویم ریخته شد و صورتم ناگهان به شدت سوخت. من فریاد زدم و کمک خواستم و از آن به بعد دیگر متوجه چیزی نشدم.

گفته‌های معصومه باعث شد پدرشوهرش تحت پیگرد قرار بگیرد. پلیس فهمید این مرد دقایقی بعد از حادثه سکته کرده است. وقتی او بهبود یافت، بازداشت شد. متهم در بازجویی‌ها معصومه را عامل بدبختی‌هایش معرفی کرد و گفت: «از وقتی معصومه طلاق گرفت حال پسرم بدتر شد. او بیشتر مواد می‌کشید. من می‌دانم معصومه خیلی عذاب کشید اما اگر برمی‌گشت شاید پسرم به این روز نمی‌افتاد.»

در همان زمان که تحقیقات قضایی پیرامون این پرونده ادامه داشت معصومه با کمک نیکوکاران در تهران تحت درمان‌های مقدماتی قرار گرفت اما قدرت تخریبی اسید روی صورت این زن به حدی است که شرایط او روز به روز وخیم‌تر می‌شود. معصومه همچنان در شرایط سختی به سر می‌برد و برای درمان به کمک‌های زیادی نیاز دارد. عبدالصمد خرمشاهی، وکیل مدافع این زن در مورد آخرین وضعیت موکلش به خبرنگار ما گفت: معصومه بینایی یک چشمش را به طور کامل از دست داده است و چشم دیگرش که بعد از معالجه‌های مقدماتی تا دومتر جلوتر را می‌دید در شرایط وخیم‌تری قرار گرفته است. البته پزشکان بیمارستان تلاش خود را برای بهبود معصومه انجام می‌دهند اما هزینه سنگین درمان و کند پیش رفتن آن به شدت معصومه را آزار می‌دهد.

خرمشاهی گفت: با توجه به انتشار گزارش‌هایی از زندگی این زن تماسی از سوی مجلس با من گرفته شد و برخی مسوولان مجلس شورای اسلامی برای کمک به معصومه اعلام آمادگی کردند. البته شرایط ایجاد شده از سوی خانواده متهم به شدت معصومه و خانواده‌اش را آشفته کرده است و آنها نمی‌توانند با آرامش درمان این زن را دنبال کنند. خرمشاهی گفت: پدرشوهر معصومه آزاد است و بازپرس با قرار وثیقه او را فعلا رها کرده است. حال آنکه در چنین جرایمی سپردن وثیقه و تبدیل قرار بازداشت هیچ توجیه قانونی ندارد و من نمی‌دانم چطور این مرد زنی جوان را مورد حمله قرار داده و علاوه بر صورتش دو چشم او را نابینا کرده و آن وقت با وثیقه آزاد شده است. البته این موضوع محل اختلاف دادستان و بازپرس است و من امیدوارم در سفری که به اصفهان خواهم داشت، بتوانم به این موضوع اعتراض کنم و متهم دوباره بازداشت شود. او بعد از آزادی بارها خانواده معصومه خصوصا پدر او را تهدید کرده و از آنها خواسته است شکایت خود را پس بگیرند. این نشان می‌دهد نه تنها متهم تنبیه نشده بلکه جری‌تر هم شده و ممکن است دست به تکرار جرم بزند. معصومه به طور قانونی از شوهرش جدا شده است و دادگاه نیز تشخیص داده آنها نمی‌توانند با هم زندگی کنند. این چه معنایی دارد که رفتارهای زشت شوهر سابقش را به پای او بنویسند و این‌طور انتقام بگیرند. او بینایی و زیبایی‌اش را از دست داده است. پسر کوچک معصومه از دیدن او هراس دارد و به شدت از مادرش می‌ترسد. این زن منبع درآمدش را از دست داده و زندگی‌اش دگرگون شده و مسبب این اتفاق‌ها حالا آزاد است. معصومه حتی اگر دوران درمانش تمام شود هیچ آینده‌ای ندارد و دیگر نمی‌تواند کار کند. بنابراین من از رییس دستگاه قضایی درخواست دارم تا دستور دهند پرونده این زن به طور خاص مورد بررسی قرار گیرد و متهم آن تا زمان محاکمه مطابق قانون بازداشت شود. همچنین از رییس مجلس درخواست دارم تا همان‌طور که گروهی اعلام آمادگی کرده‌اند تدبیری بیندیشند تا این زن بتواند در بیمارستان تحت درمان قرار گیرد و هزینه سنگین درمان دغدغه جدیدی برای او و خانواده‌اش نباشد. حمایت از معصومه می‌تواند این اطمینان را در آنها به وجود آورد که اگر به آنها آسیبی رسیده دستگاه قضایی و مجلس جلوی آسیب‌های بیشتر و سنگین‌تر را می‌گیرند.»

بنا به این گزارش، خرمشاهی و خانواده معصومه از همه مردمی که تا به حال از این زن حمایت کرده‌اند تشکر و عنوان کردند حساب ۳۳۳۲۵۷۵۲۹۰۰۲ بانک ملی شعبه ۳۲۵۱ به نام معصومه عطایی متعلق به خود این زن است. همه کمک‌های مردمی که تاکنون به این حساب واریز شده خرج درمان او شده است و زن جوان همچنان به کمک‌های مردمی نیاز دارد.

پدر، کودک ۳ ماهه‌اش را ربود

مردی که به خاطر اختلافات خانوادگی با طراحی نقشه‌ای پیچیده کودک خودش را ربوده بود به زندان افتاد. به گزارش خبرنگار ما چند روز قبل مردی سراسیمه و مضطرب خودش را به پلیس آگاهی بوشهر رساند و اعلام کرد پسر سه ماهه‌اش را از خانه ربوده‌اند این مرد که خودش را دکتر داروساز معرفی می‌کرد درباره واقعه رخ داده چنین گفت: «چند نفر ناشناس ساعت پنج صبح وارد خانه ما شدند و دست و پای من و همسرم را بستند و پسرم را ربودند آنها همچنین مقداری از وسایل خانه را هم سرقت کردند.» کارآگاهان از همان ابتدا نسبت به صحت اظهارات این مرد دچار تردید شدند. ربودن کودک سه ماهه کاری نبود که بتواند تبهکاران را با هر نیتی که در سر داشتند به اهداف‌شان برساند زیرا چنین طفلی به مراقبت‌های بسیار نیاز دارد و این احتمال که در شرایط سخت و پیش از آنکه مجرمان به منظورشان برسند جان خود را از دست بدهد زیاد است بنابراین هیچ مجرمی چنین ریسکی را نمی‌پذیرد. افسران آگاهی با علم به این موضوع بدون اینکه واکنشی نشان بدهند به تحقیق از پدر کودک ادامه دادند و فهمیدند نوزاد مفقود شده حاصل ازدواج دوم او است و مرد داروساز با همسرش به شدت اختلاف دارد. در حالی که همه شواهد و مدارک از صوری بودن شکایت مرد میانسال حکایت داشت او تحت بازجویی‌های فنی قرار گرفت و اسرار ناپدید شدن پسرش را فاش کرد او گفت: «من به خاطر اختلاف شدیدی که با همسر دومم داشتم می‌خواستم از او انتقام بگیرم، بهترین راهی که به ذهنم رسید دور کردن پسرمان از او بود برای همین نقشه‌ای طراحی کردم و از برادرم کمک خواستم و وقتی او قبول کرد در این کار با من همدستی کند همه مقدمات را فراهم کردم.» متهم در ادامه اظهاراتش گفت: «شب حادثه شربت درست کردم و ماده بیهوشی در آن ریختم همسرم بعد از خوردن آن از حال رفت سپس با همکاری برادرم وسایل خانه را زیر و رو کردیم و در پایان او پسرم را همراه مقداری از وسایل از خانه برد البته قبل از خروج از منزل دست و پای من و زنم را هم بست تا همه چیز طبیعی به نظر برسد.» این متهم ادامه داد: «برادرم طبق نقشه پسرم را به شیراز برد تا مقابل منزل فردی گذاشته شود تا مردم او را به شیرخوارگاه ببرند. آنها هنوز هم در شیراز هستند.» کارآگاهان بعد از اطلاع از پشت پرده این ماجرا به سرعت خودشان را به شیراز رساندند و پیش از آنکه پسربچه به شیرخوارگاه فرستاده شود او را یافتند اما مادر طفل از تحویل گرفتن او خودداری کرد و گفت به خاطر مسایل خانوادگی نمی‌تواند از این کودک مراقبت کند بنابه این گزارش در حال حاضر عمو و پدر کودک در بازداشت هستند و پسر سه ماهه نیز در وضعیت بلاتکلیفی به سر می‌برد.

متهم در دادگاه خودش را بی‌گناه معرفی کرد

قتل زن مسن به دست مرد سارق

مرد سارقی که برای به‌دست آوردن پول‌های زنی مسن او را به قتل رسانده بود، دیروز بعد از محاکمه به قصاص و زندان محکوم شد. به گزارش خبرنگار ما، جلسه محاکمه این متهم که ناصر نام دارد در شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران برگزار شد و او ادعا کرد مقتول را نکشته، بلکه پیرزن بر اثر کهولت سن جان باخته است. نماینده دادستان تهران در ابتدای جلسه محاکمه در جایگاه حاضر شد و درباره کیفرخواست، گفت: «ماموران پلیس نظرآباد کرج، اسفندماه سال ۸۸ با خبر شدند زنی به نام فاطمه در خانه‌اش به قتل رسیده است. این زن ۷۸ ساله روزها را در منزلش بود و پسرش هر شب او را به خانه خودش می‌برد تا شب را تنها نباشد. زمانی که ماموران در محل حاضر شدند شخصی که گفته می‌شد عامل قتل فاطمه است توسط مردم بازداشت شده بود. با انتقال این فرد به بازداشتگاه به دستور بازپرس جسد به پزشکی قانونی فرستاده شد. سپس رضا، پسر مقتول که در محل حادثه بود توسط ماموران تحت بازجویی قرار گرفت. او گفت: من هر شب مادرم را به خانه خودم می‌بردم، چون تنها بود اجازه نمی‌دادم در خانه‌اش بماند. شب حادثه هم مثل همیشه به منزل مادرم رفتم، در زدم کسی در را باز نکرد چراغ‌ها خاموش بود اطمینان داشتم مادرم در خانه است. در را شکستم و وارد شدم جسد مادرم را دیدم و چشمم به مردی افتاد که در تاریکی ایستاده بود. فریاد زدم و کمک خواستم. همسایه‌ها آمدند و متهم را بازداشت کردند. شفیعی ادامه داد: ناصر -متهم پرونده – در بازجویی‌ها اتهام قتل را قبول کرد و گفت، می‌خواست جواهرات پیرزن را بدزدد و وقتی با مقاومت او روبه‌رو شد پیرزن را خفه کرد. پرونده متهم بعد از پایان بازجویی‌ها و بازسازی صحنه جرم با صدور کیفرخواست برای محاکمه به دادگاه فرستاده شد و اکنون من به عنوان نماینده دادستان تهران درخواست

دارم با توجه به تقاضای اولیای دم حکم قانونی صادر شود.» در ادامه این جلسه رضا، پسر مقتول به عنوان ولی دم در جایگاه حاضر شد. او برای متهم تقاضای صدور حکم قصاص کرد. سپس یکی از شاهدان در حضور دادگاه حاضر شد. او گفت: داشتم از جلو در خانه مقتول رد می‌شدم که صدای فریاد را شنیدم. وارد خانه شدم و به کمک رضا رفتم و متهم را بازداشت کردیم. وقتی همسایه‌ها به متهم اعتراض کردند که چرا فاطمه را کشتی، گفت: چون پیر بود کشتمش دختر ۱۴ ساله نبود که به من اعتراض می‌کنید. این بار ناصر در برابر قضات ایستاد. او در دفاع از خودش گفت: اتهامم را قبول ندارم من فاطمه را نکشتم. روز حادثه برای سرقت به خانه مقتول رفته بودم. وقتی وارد خانه شدم به او گفتم با پسرت حسابی دارم و آمده‌ام آن را بگیرم. از پیرزن خواستم هرچه پول و طلا دارد به من بدهد اما او توجهی نکرد. وقتی خواسته‌ام را دوباره تکرار کردم، با عصبانیت گفت: نمی‌خواهد پولی به من بدهد و از من خواست از خانه‌اش بیرون بروم. من سر او داد زدم اما خفه‌اش نکردم. در این هنگام قاضی از متهم پرسید پس چه کسی فاطمه را خفه کرد. متهم جواب داد: نمی‌دانم شاید او چون پیر بود، خودش خفه شده، به هر حال من این کار را نکردم. ناصر در پاسخ به این سوال که اگر قاتل نیست چطور صحنه قتل را بازسازی کرد، گفت: نمی‌دانم باید چه بگویم من هر آنچه را اتفاق افتاده بود بازسازی کردم اما دوباره تکرار می‌کنم قتل کار من نبود و پیر زن احتمالا خودش خفه شده است. بعد از پایان دفاعیات متهم و وکیل مدافع او، هیات قضات برای صدور رای دادگاه وارد شور شدند. آنها بعد از مشورت اعلام کردند متهم از نظر آنها و با توجه به مدارک موجود گناهکار است. به این ترتیب ناصر به سه سال حبس و ۷۴ ضربه شلاق به خاطر سرقت و قصاص به جرم قتل فاطمه محکوم شد.

پنج قاره

توفان شن ۴۳ خودرو را به هم کوبید

برخورد ده‌ها خودرو در آلمان که بر اثر توفان شن روی داد جان ۱۰ نفر را گرفت. به گزارش «شین هوا» پلیس آلمان اعلام کرد: توفان شن روز جمعه موجب تصادفی زنجیره‌ای در بزرگراهی در شمال آلمان شد که این تصادف دست کم ۱۰ کشته و ۹۷ زخمی برجای گذاشت. یک سخنگوی پلیس تشریح کرد: در این تصادف که در شهر بندری روشتوک روی داد، ۴۰ دستگاه خودرو سواری و سه دستگاه کامیون با هم برخورد کردند و ۲۰ خودرو از جمله یک کامیون حامل مواد سوختی آتش گرفتند. این سخنگوی پلیس افزود: احتمال دارد تعداد کشته‌شدگان افزایش یابد.

گربه پنج گوش خانه‌دار شد

یک گروه زیست‌شناس در روسیه وظیفه مراقبت از گربه‌ای پنج گوش را برعهده گرفته‌اند. به گزارش ایسنا به نقل از خبرگزاری ریانووستی «ولادیمیر اوبریوکف» یکی از محققان زیست‌شناس از دانشگاه ایالتی «وورونژ» روسیه در این‌باره گفت: ما این گربه را که در خیابانی در این ایالت سرگردان بود، پیدا کردیم و برای انجام تحقیقات و نگهداری، حیوان را به مرکز تحقیقاتی دانشگاه آوردیم. این محقق در ادامه گفت: این حیوان دارای دو گوش طبیعی است و دو گوش دیگر در زاویه ۱۸۰ درجه از یکدیگر قرار دارند، در حالی که گوش پنجم بسیار ریز است. این گربه که «لونتیا» نام دارد، پنجه‌های بسیار بزرگی هم دارد، اما در وضعیت خوبی بسر می‌برد و کاملا شبیه به سایر گربه‌ها رفتار می‌کند.

دستگیری دو آدمخوار حین پختن جسد

دو برادر پاکستانی که متهم به آدمخواری و سرقت جسد زنی شده‌اند، به‌زودی محاکمه خواهند شد. به گزارش بی‌بی‌سی خانواده این زن که به خاطر ابتلا به سرطان جان باخته بود، متوجه دزدیده شدن جسد او در قبرستان شهر سارگودها شدند و به پلیس اطلاع دادند. به گفته این خانواده، آنها چند روز پس از مراسم تدفین مجددا به مقبره متوفی رفتند اما فهمیدند آنجا حفاری شده است. آنان با نبش قبر متوجه شدند جنازه در گور نیست. به این ترتیب، تحقیقات شروع و دو متهم که عارف و فرمان نام دارند در حالی که قسمتی از جنازه را بریده و مشغول پختن آن بودند، دستگیر شدند. پلیس هنوز توضیحاتی درباره علت آدمخواری این دو متهم که گفته می‌شود در شرایط جسمی و روحی خوبی هستند، نداده است. آنان با خواهر خود که گزارش شده است شرایط روحی نامناسبی دارد، زندگی می‌کنند. دو برادر گفته‌اند پیش از آدمخواری، سگ‌های محلی را می‌خوردند.

تصادف مرگبار دو قطار

برخورد دو قطار در افریقای جنوبی ۲۵۰ کشته و زخمی بر جای گذاشت. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی پلیس به نقل از پایگاه «اینترنتی نیوز ۲۴»، این حادثه که بعدازظهر جمعه در حومه پایتخت افریقای جنوبی رخ داد و در جریان آن یک زن کشته و بیش از ۲۵۰ نفر از سرنشینان دو قطار نیز زخمی شدند حال برخی از آنها وخیم گزارش شده است. «تمبلا کولو»، مدیر شرکت راه‌آهن منطقه‌ای در پایتخت افریقای جنوبی نیز کشته شدن راننده یکی از قطارها را به هنگام برخورد آن با انتهای قطار دیگر تایید کرد. کولو افزود: شمار مصدومان این سانحه تاکنون ۲۶۶ نفر است که مداوای جراحات ۲۴ نفر از آنان باید در اولویت قرار بگیرد. کولو خاطرنشان کرد: «تحقیقات درباره علت و جزییات این سانحه دلخراش هنوز ادامه دارد.»

بزمجه‌های قاچاق به مقصد نرسیدند

ماموران پلیس تایلند یک هزار و ۸۰۰ بزمجه را در حالی که در کامیون‌هایی جاسازی شده بودند تا به چین قاچاق شوند، نجات دادند و رها کردند. به گزارش آسوشیتدپرس، این بزمجه‌های بنگالی درون ساک‌های توری در داخل سه کامیون با سقف باز در حالی که پشت جعبه‌های میوه جاسازی شده بودند، توسط پلیس کشف شدند. «پراسونگ پونتانیت» رییس پلیس گمرک تایلند در این‌باره گفت: «احتمال دارد این یک هزار و ۸۰۰ بزمجه برای مصارف غذایی قاچاق شده باشند؛ چرا که گوشت آنها کیلویی بین ۱۶ تا ۳۳ دلار در چین به فروش می‌رسد و این خزندگان در مجموع ۶۰ هزار دلار، ارزش داشتند.

حادثه‌ها

یک کشته و پنج زخمی در پی ریزش دیوار مترو

■ ریزش تونل مترو در مشهد جان یک نفر را گرفت و پنج نفر دیگر را مجروح کرد. به گزارش ایسنا، مجتبی خالدی، مسوول مرکز هدایت عملیات بحران اورژانس کشور در این‌باره گفت: «امدادگران اورژانس مشهد روز جمعه از طریق تماس کارگران مترو در جریان وقوع حادثه‌ای در یکی از ایستگاه‌های قطار شهری قرار گرفتند. وی افزود: امدادگران با حضور در صحنه حادثه دریافتند ریزش قسمتی از دیوار ایستگاه قطار شهری مشهد روی کارگران در حال فعالیت موجب حادثه شده است. امدادگران پنج مصدوم این حادثه را به بیمارستان منتقل کردند. ضمن اینکه یکی از کارگران به علت شدت جراحات وارده ناشی از ریزش آوار، جان خود را از دست داد.» خالدی همچنین درباره حادثه دیگری نیز که چهار کشته و ۲۱ مجروح برجای گذاشت، توضیح داد: «امدادگران اورژانس استان فارس ساعت ۷:۳۵ روز جمعه از طریق تماس شهروندان در جریان وقوع حادثه‌ای خونین در جاده جهرم به لار قرار گرفتند. وی افزود: امدادگران با حضور در صحنه حادثه با یک دستگاه خودرو وانت نیسان روبه‌رو شدند که بنا بر دلایلی از جاده اصلی منحرف و واژگون شده بود.

دستگیری دعانویس کلاهبردار

■ مردی که با سوءاستفاده از اعتقادات مذهبی مردم و به بهانه حل مشکلات از طریق دعانویسی دست به کلاهبرداری می‌زد، دستگیر شد. به گزارش فرماندهی انتظامی استان مرکزی، ماموران پلیس از طریق گزارش‌های مردمی در جریان قرار گرفتند شخصی با دعانویسی برای مردم اقدام به کلاهبرداری از آنان می‌کند. به همین دلیل محل سکونت این مرد را به مدت ۷۴ ساعت زیرنظر گرفتند و بعد از اطمینان از صحت گزارش‌های اعلام شده، متهم را دستگیر و از خانه او هفت جلد کتب ادعیه معتبر، کتب رمالی و احضار ارواح که در کشورهای هند و پاکستان تالیف و چاپ شده و همچنین تعداد زیادی دعای آماده برای ارایه به مراجعه کنندگان کشف و ضبط کردند. متهم در بازجویی‌های فنی به اتهامش اعتراف کرد و گفت: کسانی را که در زندگی خانوادگی خودشان دچار مشکل بودند یا به خاطر گرفتاری‌های مالی به گره‌گشایی نیاز داشتند، شناسایی می‌کردم و بعد از آنکه آنها را به خانه‌ام می‌کشاندم با سوءاستفاده از اعتقادات‌شان مبلغی از آنان دریافت می‌کردم و دعاهایی به آنان می‌دادم تا به ظاهر مشکل‌شان حل شود.» بنابر این گزارش، متهم اکنون در بازداشت به سر می‌برد و تحقیقات از او ادامه دارد.

زندانی فراری سارق مامور نما از آب درآمد

■ یک زندانی فراری که در پوشش مامور از رانندگان خودروهای سنگین اخاذی می‌کرد، پس از دستگیری جرمش را گردن گرفت. ماموران کلانتری پایانه جنوب تهران ظهر روز جمعه هنگام گشت‌زنی در اطراف ایستگاه تاکسیرانی به فردی که با لباس یکی از ارگان‌های نظامی در حال پرسه زدن بود، مشکوک شدند و او را بازداشت کردند. هنوز چند دقیقه‌ای از انتقال متهم به کلانتری نگذشته بود که یکی از مسافران پایانه به آنجا رفت تا شکایتی را مطرح کند. او ناگهان متهم دستگیرشده را دید و او را به عنوان دزد پول‌هایش معرفی کرد. مرد مالباخته گفت: «روز چهارم فروردین من با کامیونم در حالی که همسر و دو فرزندم نیز با من بودند در اتوبان کاشان-قم در حال حرکت بودیم که ناگهان متهم به اتفاق همدستش که مسلح نیز بودند با یک دستگاه خودرو سواری جلو مرا گرفتند و خودشان را ماموران مبارزه با مواد مخدر معرفی کردند و به من گفتند داخل ماشینم ۱۵۰ کیلوگرم موادمخدر جاسازی شده است و آنها باید خودرو را بازرسی کنند. من که به شدت ترسیده بودم با تهدید آنها تسلیم شدم. شاکی ادامه داد: «همدست این مرد کامیون، زن و بچه‌ام را با خودش به مقصد نامعلومی برد و من را نیز سر کرده باند در حالی که خودش را سروان معرفی می‌کرد به تهران منتقل کرد. آن شب را در مسافرخانه‌ای در میدان راه‌آهن گذراندیم بعد متهم متواری شد. من و تازه متوجه شده بودم چه بلایی سرم آمده است، دنبال همسر و فرزندم رفتم و فهمیدم همدست متهم آنها را رها کرده است. این دو مرد همه پول‌هایی را که همراه داشتیم سرقت کرده بودند. چند روزی به این ماجرا فکر کردم تا اینکه مصمم شدم از این دو شکایت کنم.» ماموران بعد از شنیدن این حرف‌ها به بازجویی از متهم پرداختند. او ضمن قبول اتهامش گفت: «من و همدستم در زندان بندرعباس دوران محکومیت‌مان را می‌گذراندیم که با گرفتن مرخصی فرار کردیم و تصمیم گرفتیم با جعل عنوان از رانندگان خودروهای سنگین سرقت کنیم.» بنا بر این گزارش متهم اکنون در اختیار پلیس آگاهی قرار گرفته و پلیس در جست‌وجو همدست او است.

اختلاس میلیونی کارمند بانک

■ کارمند یکی از شعب بانکی در استان مرکزی به اتهام اختلاس دستگیر شد. سرهنگ احمدی، رییس پلیس آگاهی اراک در این‌باره گفت: «پرونده‌ای با دریافت شکایت حراست یکی از بانک‌های شهرستان اراک درباره اختلاس توسط یکی از کارمندان متخلف، در اداره مبارزه با جرایم اقتصادی پلیس آگاهی تشکیل شد و تیمی از کارآگاهان پیگیری موضوع را بر عهده گرفتند.» این مقام انتظامی افزود: «کارآگاهان با انجام تحقیقات علمی و بررسی اسناد و مدارک موجود متوجه شدند تحصیلدار شعبه با تنظیم سندهای جعلی اقدام به برداشت غیرقانونی از حساب‌های برخی از مشتریان کرده است. بنابراین متهم دستگیر و به پلیس آگاهی انتقال داده شد. احمدی افزود: «متهم در بازجویی‌های مقدماتی منکر اختلاس شد اما پس از رویارویی با دلایل و مدارک مستند راهی جز بیان حقیقت پیش رویش ندید و پس از اعتراف به جرمش به اتهام اختلاس با صدور قرار، روانه زندان شد.»